

نقش اعتقادات دینی در جنگ روانی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی

دکتر محمدجواد قاسمی

استادیار دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۶/۲۳

چکیده

جنگ روانی یعنی جنگ کلمات، نمادها، شعارها و مرعوب ساختن طرف مقابل برای نیل به اهداف. در این نوشتار براساس آموزه‌های دینی، به جنگ روانی جبهه باطل، فتنه یا خطرات شیطان و به نقطه مقابل آن، «دفاع اعتقادی، آگاه‌سازی و دعوت براساس «بصیرت» گفته می‌شود. مفهوم جنگ روانی گاه عملیات روانی و جنگ سخت و نرم را نیز در بر می‌گیرد. این جنگ با شکل‌های گوناگون، در تاریخ بشر میان دو جبهه حق و باطل در جریان بوده است. منظور ما از نقش اعتقادات دینی در مقابله با جنگ روانی جبهه باطل، که به عنوان مهم‌ترین عامل و به صورت راهبردی مطرح شده است، آموزه‌های قرآنی است. قرآن به عنوان کامل‌ترین و دقیق‌ترین متن دینی به شکل گسترده به این مطلب پرداخته است. این نوشته پس از معرفی گروه‌های درگیر، ابتدا به شناخت شیوه‌های دشمن مانند: استهزا، تهدید، تحقیر، تهمت‌های ناروا و... در جنگ روانی از دیدگاه قرآن پرداخته است. سپس راه کارهای مقابله را مانند: ایمان، ولایت، بی‌اعتنایی به جنگ روانی دشمن، دقت در تعابیر، طبیعی دانستن شکست و پیروزی و... استخراج نموده و آسیب‌شناسی و آداب شیوه‌های مقابله را نیز گوشزد نموده است.

واژه های کلیدی: جنگ روانی، اعتقادات دینی، قرآن، مقابله، دشمن، شیوه ها

مقدمه

از میان تعاریف گوناگونی که برای جنگ روانی بیان شده است، تعریف «صلاح نصر» نویسنده مصری در کتاب «الحرب النفسیه، معركة الكلمات و المعتقد»، با مطالبی که در این پژوهش می آید مناسب تر به نظر می رسد. در این تعریف آمده است: «جنگ روانی همان جنگ کلمه و عقیده است؛ خواه به صورت مخفی باشد یا آشکار، شفاهی باشد یا کتبی. اساساً سلاحی است که به انسان و عقل او توجه دارد و هرگاه امکان برقراری ارتباط عاطفی با مخاطب را داشته باشد می تواند به اعماق وجود او نفوذ کند» (شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۴).

براین اساس، مفهوم «جنگ نرم» که در مقابل «جنگ سخت» و نیمه سخت (ایجاد کودتا و تغییر حاکمان) به کار برده می شود، عبارت است از: «استفاده دقیق و طراحی شده از رسانه با همه اشکال متنوع آن به منظور تسخیر باورها و ارزش ها و تصرف قلب ها و مغزها (شریفی، ۱۳۸۹: ۲۶). بنابراین جنگ روانی مفهوم عامی است که به هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وا می دارد اطلاق می شود. این نوع جنگ امروزه با تعبیری همچون: جنگ سفید، خاکستری، جنگ سیاه، جنگ رسانه ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی، تبشیر به جای شمشیر، تبلیغات به جای تسلیحات و... از آن یاد می شود. جنگ نرم و همه موارد فوق به دلیل این که هدف نهایی، در همه آن ها تأثیرگذاری بر روح و روان طرف مقابل است، زیر مجموعه ای از جنگ روانی به شمار می آیند و تفاوت چندانی میان این واژه ها وجود ندارد.

شاید بتوان تعبیر خاموش کردن نور خدا با دهان «یطفئون نورالله بافواههم» (صف: ۸) و تعبیر فتنه را که از جنگ سخت و کشتار بدتر شمرده شده است مصداق جنگ روانی دشمن دانست. آن جا که می فرماید: «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى



يَرُدُّوْكُمْ عَنْ دِيْنِكُمْ اِنْ اسْتَطَاعُوْا وَّ مَنْ يَّرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِيْنِهٖ فَيَمُتْ وَ هُوَ كَافِرٌ فَاُولٰٓئِكَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ «(بقره : ۲۱۷) فتنه از کشتار بزرگ تر است و آنان پیوسته با شما می جنگند تا- اگر بتوانند- شما را از دیتان برگردانند و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند، آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می شود. کنکاش در این موضوع بدین سبب حائز اهمیت است که براساس دیدگاه صاحب نظران، اولین تهدید جدی اجتماعی در حال حاضر به شمار می آید. مقام معظم رهبری در اهمیت جنگ روانی فرمودند: «من برنامه های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه می کنم: اول، جنگ روانی؛ دوم، جنگ اقتصادی؛ و سوم، مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی. جنگ روانی یعنی مرعوب کردن... جنگ روانی دشمن، مهم ترین بخش مبارزه ی دشمن با ملت ایران است». (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۶/۱/۱).

در قرآن کریم که سرچشمه اعتقادات دینی ماست، در مقابله با جنگ روانی دشمن، راه کارهای بسیار متنوع و کاربردی موجود است که با تدبیر و کاریست آن ها می توان جنگ روانی جبهه باطل را مدیریت و خنثی نمود. در این نوشته ابتدا به برخی از شیوه های دشمن در جنگ روانی می پردازیم و سپس به راه کارهای مقابله از دیدگاه قرآن اشاره خواهیم کرد.

۱- تهدید، ارباب و ایجاد اضطراب

اولین شیوه جنگ روانی در تاریخ بشر، شیوه تهدید و ارباب بوده است. آن گاه که قابیل به هابیل گفت: «لَأَقْتُلَنَّكَ» حتماً تو را خواهم کشت. (مائده: ۲۷) یا فرعون که برای جلوگیری از ایمان ساحران و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، آن ها را تهدید کرد: «فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ أَنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى» (طه : ۷۱). گفت: «پس بی شک دست های شما و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ قطع می کنم و شما را بر تنه های درخت خرما به دار می آویزم، تا

خوب بدانید عذاب کدام یک از ما سخت‌تر و پایدارتر است». آن‌ها در مقابل این تهدیدات، گفتند: «ما هرگز تو را بر معجزاتی که به سوی ما آمده و [بر] آن کس که ما را پدید آورده است، ترجیح نخواهیم داد پس هر حکمی می‌خواهی بکن که تنها در این زندگی دنیاست که [تو] حکم می‌رانی. (طه: ۷۲).

در جای دیگر قرآن به گروه جنگ روانی دشمن در صدر اسلام که در مدینه ایجاد اضطراب و دلهره می‌کردند اشاره فرموده و این گروه را «مرجفون» نامیده است. راغب رجف را اضطراب و حرکت سخت و شدید معنا کرده است. الرَّجْفُ: الاضطراب الشدید (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ۳۴۴) و ارجاف را فتنه‌انگیزی و ایجاد اضطراب یا با کار و یا با سخن و شایعه، دانسته است. «الْإِرْجَافُ: إيقاع الرَّجْفَةِ، إمَّا بالفعل، و إمَّا بالقول، قال تعالى: وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ و يقال: الْأُرْجَافُ ملاقيح الفتن» (همان) أُرْجِيفُ: سخنان آشوبگرانه و فتنه‌انگیزانه و دروغ و بی‌اصل و اساس است که در پندار نهفته باشد و به آن‌ها مادران فتنه گفته می‌شود.

مغینه در تفسیر آیه، ارجاف را «الحرب النفسیه» جنگ روانی تفسیر کرده است. (مغینه، ۱۴۲۴: ۶: ۲۴۰).

در تفسیر آیه شریفه «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ» (احزاب: ۶۰) آمده است: «مرجفون» کسانی بودند که در مدینه برای مضطرب کردن دل‌های مسلمانان خبرهای دروغ پخش می‌کردند و مخصوصاً درباره سربیه‌های پیغمبر صلی الله علیه و آله جنگ‌هایی که خود حضرت در آن حضور نداشت، به دروغ می‌گفتند مسلمانان فرار کردند و کشته شدند. مقصود از آیه شریفه این است که اگر منافقان از دشمنی و نیرنگشان و تبهکاران از اذیت زنان و دروغگویان از ساختن و به هم بافتن خبرهای بد دست بر ندارند، بی‌تردید ما تو را به دشمنی با آن‌ها بر می‌انگیزیم و ناگزیر می‌شوند که از مدینه جلای وطن کنند. سپس پیش تو در مدینه نمی‌مانند مگر زمان اندکی (طبرسی، ۱۳۷۷، ۵، ۱۵۳).



۲- استهزا و تمسخر دین مداران

عمومی ترین شیوه جنگ روانی که در طول تاریخ علیه جبهه حق جریان داشته است و امروزه نیز به شکل گسترده تر با ابزارهای مختلف رسانه ای در جریان است، شیوه تمسخر و استهزا است. قرآن به این حقیقت اشاره کرده، می فرماید: «زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا...» (بقره: ۲۱۲) حیات عاریت و متاع دنیوی در نظر کافران جلوه نموده است و اهل ایمان را مسخره می کنند. در این آیه دلیل به سخره گرفتن مؤمنان، تزئین مظاهر دنیوی در نظر مخالفان (و عدم توجه به ارزش های معنوی)، بیان شده است.

در آیات دیگری با کاربرد فعل ماضی استمراری شیوه تمسخر مؤمنان توسط مجرمان را شیوه ای دائمی آن ها معرفی کرده است: «إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (مطففين: ۳۲-۲۹). [آری، در دنیا] کسانی که گناه می کردند، آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می گرفتند و چون بر ایشان می گذشتند، اشاره چشم و ابرو با هم ردّ و بدل می کردند و هنگامی که نزد خانواده [های] خود بازمی گشتند، به شوخ طبعی می پرداختند و چون مؤمنان را می دیدند، می گفتند: «این ها [جماعتی] گمراهند».

۳- به رخ کشیدن زرق و برق مادی

یکی از شیوه هایی که جبهه کفر همواره برای مرعوب ساختن جبهه حق به کار گرفته است، نمایش سازوبرگ و زرق و برق دنیایی خود بوده است. مصداق بارز آن را در زمان معاصر در فرهنگ مشرکانه غرب مشاهده می کنیم که کمتر کسی می تواند مسحور آن نشود. قرآن تقابل گروه مترفین با انبیا را که از طریق جنگ روانی با به رخ کشیدن اموال و اولاد، در جریان بوده است این گونه بیان می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ وَ قَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا وَ مَا

نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ» (سبأ: ۳۵-۳۴) و [ما] در هیچ شهری هشداردهنده‌ای نفرستادیم جز آن که خوش گذرانان آنها گفتند: «ما به آن چه شما بدان فرستاده شده‌اید کافریم و گفتند: «ما دارایی و فرزندانمان از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد.» مقام معظم رهبری می فرماید: «نامه های پادشاهان برای رقبا....پراز تهدید و پر از به رخ کشیدن قدرت خود بود. این ها برای این بود که تهدیدی که منجر بشود به ترسیدن طرف مقابل، نقش مهمی را در پیروزی ایفا می کند» (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

۴- جنگ روانی از طریق فرهنگ جاهلی

باستان گرایی، دعوت به جاهلیت اولی و تبلیغ و ترویج اساطیر بی محتوای کهن، یکی از شیوه های جنگ روانی جبهه باطل بوده است که قرآن به آن توجه می دهد: «كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتَلَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أَمَةٍ وَ إِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ» (زخرف: ۲۳) و این گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر اندازکننده‌ای نفرستادیم مگر این که ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: «ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می کنیم.

در آیات سوره احزاب به شرح حال گروه خطرناکی از منافقان بیمار دل که نسبت به دیگران خبثت و آلودگی بیشتری داشتند پرداخته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷: ۲۲۸). آن ها در بحبوحه جنگ احزاب، واژه «یثرب» نام قدیمی مدینه قبل از ظهور اسلام (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۴۲۹) را برای ایجاد یأس و ناامیدی، به جای واژه مدینه النبی، به همراه مجموعه ای از مفاهیم دیگر به کار برده، از این طریق به جنگ روانی می پرداختند. «وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا» (الأحزاب: ۱۳) و چون گروهی از آنان (درهنگام جنگ احزاب) گفتند: «ای مردم یثرب، دیگر شما را جای درنگ نیست، برگردید.» عبارت «فارجعوا» به معنای بازگردید نیز شاید بیان گر یکی از مصادیق قهقراگرایی و میل به جاهلیت در این گروه باشد.



یکی از خطرناک ترین شیوه های جنگ نرم دشمن در تاریخ معاصر نیز احیای سنت های جاهلانه، مشرکانه و ناسیولیستی در میان مسلمانان است. نهضت های پان عربیسم، پان ترکیسم، پان ایرانیسم و... در این راستا تشکیل شده است. جایگزینی کلمات فارسی مانند آدینه به جای جمعه، درود و بدرود به جای سلام و خداحافظی، خسته نباشید به جای خدا قوت و به طور کلی حذف کلمات قرآنی از محاورات و مکتوبات به بهانه عربی زدایی و ترویج زبان فارسی، مطرح کردن پادشاهان ایرانی مانند: کوروش و داریوش و برخی از شخصیت های افسانه ای در مقابل شخصیت های دینی و حقیقی، حرکت های پنهانی است که ماهرانه مدیریت می شود و باید مدافعان دین به هوش باشند.

۵- جنجال آفرینی (پارازیت) و حذف حقیقت (سانسور).

کتمان حقیقت، از کار انداختن ابزار تبلیغاتی و مانع گسترش پیام های روشنگرانه دین مداران شدن، یکی دیگر از شیوه های جنگ روانی دشمن علیه جبهه حق به شمار می آید که قرآن به آن اشاره دارد: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَاجَاتِ الْفَرِيقِ الْوَحِيدِ وَآلِ الْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ» (فصلت: ۲۶) کافران گفتند: به این قرآن گوش ندهید و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید. در آیه دیگر اهل کتاب را به عنوان کسانی که حقایق را سانسور می کردند معرفی می کند (مائده: ۱۵). در باره سانسور حقیقت توسط مخالفان انبیا می فرماید: «جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ» (ابراهیم: ۹) فرستادگان ایشان دلایل آشکار برایشان آوردند، ولی آنان دستهایشان را [به نشانه اعتراض] بر دهانهایشان نهادند و گفتند: «ما به آن چه شما بدان مأموریت دارید کافریم، و از آن چه ما را بدان می خوانید سخت در شکیم.» در تفسیر این قسمت از آیه آمده است: مردم مانع آن شدند که پیامبران لب به کلمه حقی بگشایند و بالأخره راه حرف زدن را بر روی ایشان بستند (طباطبایی، بی تا: ۱۲: ۳۲). این عبارت کنایه است از این که ایشان را مجبور به سکوت و

نگفتن حق می‌کردند، گویا دست انبیا را می‌گرفتند و بر دهانهایشان می‌گذاشتند و به این وسیله اعلام می‌کردند که باید از سخن حق، صرف نظر کنند. (همان منبع).

امروزه سکوت خبری خبرگزاری‌های بین‌المللی نسبت به حوادث مهم انقلاب و بیداری اسلامی، پاره حقیقت‌گویی، ایجاد پارازیت برای شبکه‌های دینی در کشورهای عربی و غربی، افزایش هکرهای اینترنتی در فضای سایبری، مقابله با سایت‌های اسلامی از طرق مختلف از جمله ترویج قصه‌های کوتاه مبتذل و انحرافی، بازی‌های رایانه‌ای، پویا نمایی، انیمیشن، استفاده‌های تبلیغاتی از فضاهای ورزشی و آموزشی به منظور دور کردن افراد از تعقل و تفکر را در همین راستا می‌توان ارزیابی کرد.

۶- برچسب زدن (تهمت‌های ناروا)

ساحر، کاهن، دروغگو، شاعر، مجنون و قدرت طلب نامیدن پیامبران از سوی مخالفان، بیان گر خوی و سیرت جبهه باطل در جنگ روانی است. نمونه‌ای از آن، آیه شریفه‌ای است که این شیوه را عمومی در مقابل همه پیامبران دانسته و می‌فرماید: «كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ» (الذاریات: ۵۲). بدین سان بر کسانی که پیش از آن‌ها بودند هیچ پیامبری نیامد جز این که گفتند: «ساحر یا دیوانه‌ای است».

۷- هزینه‌های گزاف برای جنگ روانی

این شیوه در صدر اسلام نیز متناسب با شرایط آن زمان وجود داشته است که قرآن به آن اشاره فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُعْشَرُونَ» (انفال: ۳۶). بی‌گمان، کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می‌کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند. پس به زودی [همه] آن را خرج می‌کنند و آن گاه حسرتی بر آنان خواهد گشت سپس مغلوب می‌شوند. و کسانی که کفر ورزیدند، به سوی دوزخ گردآورده خواهند شد.



۸- فال بد زدن

فال بد زدن، شوم دانستن مذهبی ها، ایجاد تنفر از آن ها و حوادث طبیعی را به آنها نسبت دادن، از شیوه هایی است که جریان باطل علیه جبهه حق به کار می گیرد. قرآن کریم در این باره می فرماید: «قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنُلَاقِيَنَّكُمْ وَكَيْمَسِّنَكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ» (یس : ۱۸) آنان گفتند: «ما شما را به فال بد گرفته ایم (و وجود شما را شوم می دانیم)، و اگر (از این سخنان) دست برندارید شما را سنگ سار خواهیم کرد و شکنجه دردناکی از ما به شما خواهد رسید!

۹- تحقیر شخصیت ها

تحقیر و ترور شخصیت های جبهه حق با انواع اتهام زنی ها از یک سو و بزرگ جلوه دادن افراد جبهه باطل، از شیوه های جنگ روانی دشمنان بوده و هم اکنون نیز در جریان است. اغلب مستکبران پیامبران را بشری عادی دانسته که هیچ فضیلتی بر دیگران ندارند و پیروان آن ها را افرادی اراذل، ساده لوح و سفیه معرفی کرده اند. قرآن کریم به این حقیقت از زبان قوم نوح (ع) این گونه اشاره فرموده است: «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّى الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ» (هود : ۲۷). اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: «ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی بینیم! و کسانی را که از تو پیروی کرده اند، جز گروهی اراذل ساده لوح، مشاهده نمی کنیم و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی بینیم، بلکه شما را دروغگو تصور می کنیم!»

۱۱- تشکیک در باورها

هجوم به ارزش ها و ایجاد تردید در باورهای قلبی و تشکیک در اعتقادات دینی جامعه، یکی از ترفندهای جبهه باطل علیه حق مداران است. قرآن به این حقیقت این گونه اشاره فرموده است: «أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ» (اعراف: ۷۵) سران قوم او که استکبار می ورزیدند، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا می دانید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟». یا ایراداتی که فرعون به موسی (ع) می گرفت. مانند: «قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاسْتَجِبْ لِذِكْرٍ مِّن رَّبِّكَ إِنَّكَ أَنتَ الْعَظِيمُ الْحَكِيمُ» (زخرف: ۵۴). پس چرا بر او دستبندهایی زرین آویخته نشده است؟ یا فرشتگانی همراه او نیامده اند؟ پس قوم خود را سبک مغز یافت [و آنان را فریفت] و اطاعتش کردند؛ چرا که آن ها مردمی منحرف بودند.

۱۲- تقویت شرکای خود در داخل جبهه حق

اغلب جنگ روانی دشمن از طریق دوستان دشمن در داخل جبهه خودی تحقق می یابد. افرادی که در ظاهر مسلمان بوده ولی در باطن از دشمنان و شیاطین پیروی می کنند، در قرآن گاه با تعبیر «اخوانهم» (برادران آن ها) و گاه با تعبیر «منهم» (از آن ها) یاد کرده است: «وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُم فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ» (اعراف: ۲۰۲) (بی پروایان و ناپرهیزکاران را) برادرانشان (شیاطین) پیوسته در گمراهی و ضلالت پیش می برند و هیچ گاه باز نمی ایستند. یا در آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (المائدة: ۵۱). ای کسانی که ایمان آورده اید، یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند و هر کس از شما آن ها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود. آری، خدا گروه ستمگران را راه نمی نماید.

تعبیر جدیدی که از سوی تنوریسین های جنگ نرم برای این گروه به کار گرفته می شود، تعبیر «شرکای غرب در جهان اسلام» است که آن ها را به پنج گروه تقسیم



کرده اند: ۱- دانشگاهیان و روشن فکران مسلمان لیبرال و سکولار ۲- روحانیون میانه رو جوان ۳- فعالان اجتماعی از قبیل رهبران احزاب سیاسی و اصناف و امثال آن. ۴- گروه های زنان و اقلیت های دینی ۵- روزنامه نگاران و نویسندگان میانه رو (شریفی ۱۳۸۹: ۱۵۲).

۱۳- ایجاد تشکیلات شبکه ای برای جنگ روانی

خطرناک ترین جنگ روانی دشمن از دیدگاه قرآن، جنگی بود که علیه محور اساسی جامعه دینی و رهبری آن یعنی وجود مبارک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله صورت گرفت. خداوند از آن با تعبیر «عظیم» یاد کرده و از کوچک شمردن آن نهی فرموده است. «تَعَسَّبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» (نور: ۱۵) می پنداشتید که کاری سهل و ساده است با این که آن [امر] نزد خدا بس بزرگ بود. این جنگ روانی که به «جریان افک» (تهمت به یکی از همسران پیامبر) مشهور است و بیش از پانزده آیه (نور: ۲۵-۱۱) و بیش از بیست و چند خطاب به مؤمنان پیرامون آن نازل شده است، توسط یک شبکه و گروه سازمان یافته صورت گرفت که قرآن با تعبیر «عصبه» از آن ها یاد شده است. عصبه به جماعت به هم فشرده و کمک همدیگرگرفته می شود. «الْعَصْبَةُ: جَمَاعَةٌ مُتَّعَصِبَةٌ مُتَعَاَصِدَةٌ» (راغب: ۵۶۸) برخی از اعضای این شبکه افرادی مانند عبدالله ابی که در رأس این شبکه بود و مسطح بن اثاثه و حسان ابن ثابت و حمنه بنت جحش بودند. بعضی دیگر گفته اند: عصبه در عدد ده تا چهل استعمال می شود. (طباطبایی ۱۴۱۷: ۱۵، ۱۲۸).

شناخت شیوه های منافقان در جنگ روانی و براندازی

منافقان و یهود در تمامی ادوار تاریخ اسلام، به طور ویژه علیه اسلام جنگ روانی به راه انداخته اند و شیوه های آن ها نیز در جنگ روانی بسیار متنوع و قرآن نیز بیشتر به این دو گروه پرداخته است. به همین خاطر، در این جا به برخی از شیوه های آن ها تنها با ذکر عنوان و شماره آیات، اشاره می شود:

استهزا و تمسخر (بقره: ۱۴ و توبه: ۶۴). امر به کارهای زشت و نهی از کارهای نیک (توبه: ۶۷). یأس آفرینی (احزاب: ۱۲). تهدید، تردید، شایعه پراکنی و ایجاد خوف و وحشت (احزاب: ۶۰). تملق و چاپلوسی خدعه و فریب (منافقون: ۱ و بقره: ۹ و نساء: ۱۴۲). توهین و تحقیر (منافقون: ۷-۸). ترک میدان دفاع در مواقع حساس (آل عمران: ۱۶۷). اشاره به بازگشت عبدالله ابی به همراه سیصد نفر در جنگ احد). همدستی با دشمنان خارجی و تحریک آنان به حمله علیه مسلمانان (حشر: ۱۱). توطئه و ترور. جریان توطئه برای ترور پیامبر (ص) در بازگشت از جنگ تبوک توسط منافقان (توبه: ۶۷-۶۴). فساد در پوشش اصلاح (بقره: ۱۳-۱۲). سوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم به وسیله تأسیس مسجد ضرار (توبه: ۱۳۷).

شناخت شیوه های یهود در جنگ روانی و براندازی

یهود در طول تاریخ در جنگ روانی علیه اسلام، گوی سبقت را از همه ربوده اند. برخی از شیوه های آن ها را قرآن بیان فرموده است؛ از جمله: وادار کردن دیگران به تقلید و پیروی از خود (بقره: ۱۲۰). خودبرتربینی (تحمیل حاکمیت خود بر دیگران (مائده: ۱۸). تحریف حقایق (نساء: ۴۶). جاسوسی (مائده: ۴۱). سرعت عمل در گسترش کفر (مائده: ۴۱). باطل را در پوشش حق نشان دادن (آل عمران: ۷۱). اسلام ظاهری از روی حيله در بامدادان و اعلان انصراف از آن در شامگاهان (آل عمران: ۷۲ و نساء: ۱۳۷) از شیوه های فریب برای جنگ روانی توسط یهود در صدر اسلام بوده است که قرآن به آن اشاره فرموده است.

به کارگیری شیوه های قرآنی مقابله با جنگ روانی دشمن

قرآن کریم به عنوان جامع ترین کتاب زندگی، پاسخ گوی همه نیازهای جامعه بشری است. یکی از مهم ترین نیازهای زندگی، امنیت همه جانبه است که اغلب دستخوش جنگ روانی دشمنان قرار می گیرد. قرآن برای مصونیت جامعه و دفاع در مقابل جنگ



روانی دشمن راه کارهای بسیار دقیق و کارآمدی را ارائه داده است که باید به عنوان راهبردهای اساسی در اجرایی کردن آن ها تدبیر نمود. برخی از این راهبردها عبارتند از:

۱-ایمان

افزایش و تقویت ایمان و باور قلبی نسبت به وجود خدا، پذیرش سرپرستی و هدایت او، توکل بر او و اخلاص در دین، مهم ترین اصلی است که در فشارها و بحران های ناشی از جنگ روانی دشمن، مؤمنان را مقاوم می سازد. این بدین خاطر است که قرآن وعده دفاع خدا از مؤمنان را داده است: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِلُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ» (حج: ۳۸) قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند، زیرا خدا هیچ خیانت کار ناسپاسی را دوست ندارد. دفاع خدا از مؤمنان همه نقشه های دشمن را خنثی می کند؛ زیرا او مولا و سرپرست آن هاست: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» (محمد: ۱۱) این برای آن است که خداوند مولا و سرپرست کسانی است که ایمان آوردند اما کافران مولایی ندارند!

همچنین اعتقاد به این مطلب که خداوند به مکر و حيله های دشمن در جنگ روانی هرچه قدر هم که پیچیده و مهم باشد، آگاه است و همه آن ها را نقش بر آب خواهد کرد، نقطه قوت دیگری برای مؤمنان در مقابله با جنگ روانی دشمن است. قرآن کریم می فرماید: «وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَلَاولَ مِنْهُ الْجِبَالُ» (ابراهیم: ۴۶). و به یقین آنان نیرنگ خود را به کار بردند، و [جزای] مکرشان با خداست، هر چند از مکرشان کوه ها از جای کنده می شد. سپس برای تأکید و همچنین روحیه دادن به مؤمنان بر وعده خود تأکید نموده، می فرماید: «فَلَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَكِ وَعَدَهُ رَسُولُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ» (ابراهیم: ۴۷). پس مپندار که خدا وعده خود را به پیامبران خلاف می کند، که خدا شکست ناپذیر انتقام گیرنده است.

نقش ایمان حقیقی، بصیرت افزایی و دشمن شناسی است. «قُلْ هَٰذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (یوسف: ۱۰۸). بگو:

«این است راه من، که من و هر کس پیروی‌ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم. بصیرت حاصل از ایمان، مانع سقوط انسان در دام تدبیرات شیطانی و حيله‌های دشمنان خارجی و هواهای نفسانی می‌گردد. زیرکی و کیاست مؤمن، همواره او را از چالش‌ها و لغزش‌های پیش رو محافظت می‌کند.

ایمان حقیقی و پرهیز از گناه، تنها راه کسب امنیت و آرامش در مقابل جنگ روانی دشمنان و هدایت در صراط مستقیم، به شمار می‌آید. «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لِلَّهِ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام: ۸۲). کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، برای آنان ایمنی است و ایشان راه‌یافتگانند.

نقش ایمان را در مراحل مختلف انقلاب اسلامی به ویژه نقشه‌های دشمنان در فتنه ۸۸ می‌توان به روشنی مشاهده کرد. در این جنگ روانی خطرناک که همه شیاطین آن را تدارک دیده بودند و نقشه‌هایی مانند راه کارهای جین شارب که شامل ۱۹۸ تاکتیک برای ایجاد کودتاهای مخملین بود و در ایران حدود ۸۰ تاکتیک آن برای براندازی نظام جمهوری اسلامی به کار گرفته شد، با عنایت خداوند و اعتقادات دینی مردم همه آن‌ها نقش بر آب گردید و یا رهیافت هانتینگتون و برنامه‌های پیچیده‌ای که برای گسترش لیبرال دموکراسی و شکست فرهنگ اسلامی در مقابل فرهنگ غربی تدارک دیده بودند، همگی با اتکال به خداوند خنثی شد. قطعاً در آینده نیز این تقابل وجود خواهد داشت و شرط پیروزی افزایش اعتقادات دینی و حفظ ارزش‌های الهی است.

۲- ولایت‌مداری و تبعیت از رهبری

در شرایط بحرانی و تأثیر جنگ روانی، راه سلامت و نجات، رجوع به رهبری و محوریت جبهه حق و الگوپذیری و اطاعت از اوست. در سوره احزاب ابتدا شرایط بحرانی ترسیم می‌شود: «فَإِذَا جَاءَ الظُّوفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ» (احزاب: ۱۹) هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می‌بینی آن چنان به تو نگاه می‌کنند و چشمهایشان در حدقه می‌چرخد که گویی



می‌خواهند قالب تهی کنند! پس از این آیات خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱) مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. در آیه دیگر توصیه می‌فرماید در شرایط جنگ روانی دشمن و شرایط بحرانی و امنیتی، به شایعات دامن نزنید و امور را به اولی الامر ارجاع دهید: «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِلًّا لِّعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (نساء: ۸۳) و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند.

از جمله راهبردهای اساسی مقابله با جنگ روانی دشمن در اسلام عبارت است از: اعلام ولایت امیر مؤمنان (ع) در غدیر خم که موجب اكمال دین و یأس کافران شد: «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْلَمُّتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳) جریان مباحله و تهدید مخالفان مذهبی، «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَئِلُكُمْ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: ۶۱). پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.» (آل عمران: ۶۱). همچنین اثبات حقانیت اسلام به واسطه اهل بیت (ع) و جریان مهدویت و وعده پیروزی نهایی، در پاسخ جنگ روانی دشمن بود که می‌خواستند با دهان هایشان نور اسلام را خاموش کنند: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف: ۸). می‌خواهند نور خدا را با

دهان خود خاموش کنند و حال آن که خدا- گر چه کافران را ناخوش افتد- نور خود را کامل خواهد گردانید. منظور این است که: کفار با این سخنان خود که باد دهان ایشان است، می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند، و لیکن خدا ایشان را به مقصدشان هدایت نمی‌کند، بلکه نور خود را تمام و دین خود را بر همه ادیان غلبه می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۱۹: ۴۳۱).

۳- دعا و نیایش

ارتباط با خدا و استمداد از او در جنگ روانی با دشمن، یکی از شیوه‌های مؤثری است که اولیای خدا همواره در جنگ‌ها از آن بهره‌جسته‌اند. یکی از دعا‌های ابراهیم (ع) و یاران او در مقابله دشمنان این است که: «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (ممتحنه: ۵). پروردگارا، ما را وسیله آزمایش [و آماج آزار] برای کسانی که کفر ورزیده‌اند مگردان، و بر ما ببخشای که تو خود توانای سنجیده‌کاری. در مجمع آمده است «یعنی ایشان را بر ما مسلط نما، که ما را از دینت فریب دهند و بعضی گویند: یعنی بما تَلَطَّف و ترحم نما تا ما بر آزار ایشان شکبیا باشیم و پیروی از ایشان نکنیم و بعضی گویند: یعنی ما را از دوستی با کفار نگهدار زیرا ما هر گاه ایشان را دوست داشتیم گمان می‌شود که ما آن‌ها را درست پنداشته‌ایم». (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۴: ۳۶۵).

۴- استقامت و رزیدن و بی‌اعتنایی به جنگ روانی دشمن

دستور خدا صبر و استقامت در برابر یاوه‌گویی‌ها و جنگ روانی دشمنان است: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزل: ۱۰) و در برابر آن چه (دشمنان) می‌گویند شکبیا باش و به طرزی شایسته از آنان دوری‌گزین.

۵- دقت در تعابیر و عدم به‌کارگیری واژه‌های بحران‌آفرین

گاه سخنرانان و گویندگان جبهه حق از روی بی‌توجهی یا بی‌دقتی مفاهیمی را به کار می‌گیرند که خوراک تبلیغاتی جنگ روانی دشمن را فراهم می‌سازند. قرآن به



مؤمنان توصیه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا واسمعوا» (بقره: ۱۰۴) ای افراد باایمان! (هنگامی که از پیغمبر تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می کنید) نگویید: «راعنا» بلکه بگویید: «انظرنا». (زیرا کلمه اول، هم به معنی «ما را مهلت بده!»، و هم به معنی «ما را تحمیق کن!» می باشد و دستاویزی برای دشمنان است.) و (آن چه به شما دستور داده می شود) بشنوید.

۶-نهراسیدن از جنگ روانی دشمن

خداوند شهیدان راه خدا، ایثارگران و مجاهدان را چنین توصیف می نماید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران: ۱۷۳). همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: «مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند پس، از آن بترسید.» [ولی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: «خدا ما را بس است و نیکو حمایت گری است.

دریا دلی و شجاعت از صفات حمیده ای است که مورد سفارش آیات و روایات بوده و ترس و بز دلی و تحت تأثیر القائنات شیطان قرار گرفتن همواره مذمت شده است

۷-مقابله به وسیله علایم، نمادها وشعارها

از مشهورترین و آشکارترین راه کار مقابله با جنگ روانی دشمن بزرگداشت شعارهای اسلامی است. قرآن کریم می فرماید: «مَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (الحج: ۳۲) هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست.

نمادهایی همچون: کعبه، بقاع مقدسه و اماکن زیارتی، پرچم ها، مساجد و حسینیه ها، هیأت مذهبی و مراکز دینی، نمازهای جمعه و جماعات، اذان و مأذنه ها، گلزارهای شهیدان و نیز شخصیت هایی همچون: روحانیون ملبس، مردان و زنان مذهبی با ظواهر دینی، خانواده های شهیدان، قهرمانان ملی و مذهبی، همه این ها عواملی هستند که می توان در مقابله با جنگ روانی دشمن از آن ها بهره جست.

انبوه شعارهای متفاوتی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون پس از نمازها و در مراسم مختلف مطرح شده اند، نمونه های خوبی برای بیان نقش شعارها در جنگ روانی هستند. اغلب این شعارها از صدر اسلام الگو گرفته شده است. به عنوان مثال انتخاب شعار برای هر یک از عملیات ها در هشت سال دفاع مقدس، الگو گیری از صدر اسلام بوده است که برای هر عملیاتی شعاری قرار داده بودند و در حدیث امام صادق علیه السلام به آن اشاره شده است: «شَعَارُنَا «يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ» - وَ شَعَارُنَا يَوْمَ بَدْرٍ «يَا نَصَرَ اللَّهُ أَقْتَرَبُ» وَ شَعَارُ الْمُسْلِمِينَ يَوْمَ أُحُدٍ «يَا نَصَرَ اللَّهُ أَقْتَرَبُ» وَ يَوْمَ بَنِي النَّضِيرِ «يَا رُوحَ الْقُدُسِ أَرْحُ» وَ يَوْمَ بَنِي قَيْنَقَاحٍ «يَا رَبَّنَا لَا يَغْلِبُكَ» وَ يَوْمَ الطَّائِفِ «يَا رِضْوَانُ» وَ شَعَارُ يَوْمِ حُنَيْنٍ «يَا بَنِي عَبْدِ اللَّهِ يَا بَنِي عَبْدِ اللَّهِ» وَ يَوْمَ الْأَحْزَابِ «حَمِّ لَا يُبْصِرُونَ» وَ يَوْمَ بَنِي قُرَيْظَةَ «يَا سَلَامُ اسْلَمْهُمْ» وَ يَوْمِ الْمُرَيْسِيعِ وَ هُوَ يَوْمُ بَنِي الْمُصْطَلِقِ - «أَلَا إِلَى اللَّهِ الْآثَمُ» وَ يَوْمِ الْحُدَيْبِيَّةِ «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» وَ يَوْمِ خَيْبَرِ يَوْمِ الْقَمُوصِ «يَا عَلَى أَتَهُمُ [أَتَهُمُ مِنْ عَلٍ] وَ يَوْمِ الْفَتْحِ «نَحْنُ عِبَادُ اللَّهِ حَقًّا حَقًّا» وَ يَوْمِ تَبُوكَ «يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ» وَ يَوْمِ بَنِي الْمُلَوَّحِ «أُمْتُ أُمْتُ» وَ يَوْمِ صِفِّينَ «يَا نَصَرَ اللَّهُ» وَ شِعَارُ الْحُسَيْنِ ع «يَا مُحَمَّدُ» وَ شِعَارُنَا «يَا مُحَمَّدُ» (محدث عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵: ۱۳۹) در این روایت به انواع شعارهای صدر اسلام اشاره شده است.

۸-طبیعی دانستن شکست و پیروزی

تکلیف گرایی و خون سردی در هنگام شکست ها و پیروزی ها انسان را در مقابل انواع جنگ روانی دشمن مقاوم می سازد. قرآن این گونه از این راه کار سخن به میان آورده است: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل عمران: ۱۴۰) اگر به شما آسیبی رسیده، آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می گردانیم [تا آنان پند گیرند].



۹- پای بندی به اصول

شناخت مبانی و اصول و دفاع از آن ها در هر شرایطی به ویژه در شرایط سخت، یکی از روش های مقابله با جنگ روانی دشمن است. قرآن پس از جنگ روانی و شایعه شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ احد، می فرماید: «وَمَا مَلْعَمَدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ» (آل عمران: ۱۴۴) و محمد، جز فرستاده ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود برمی گردید؟

۱۰- تقویت روحیه شهادت طلبی و ایثارگری

تفکر عاشورایی و روحیه شهادت طلبی راهکاری است که هیچ گونه جنگی از سوی دشمن بر آن چیره نمی شود. مرگ را پلی به سوی خوشبختی دانستن، همه توطئه های دشمن را نقش بر آب می کند. قرآن کریم با تأکید بر این باور و ارزش الهی به مقابله با جنگ روانی دشمن می پردازد: «وَلَا تَحْزَنُوا الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

۱۱- بهره گیری از عملیات روانی گفتاری

یکی از شیوه های بسیار مؤثر و کارآمد جنگ روانی علیه دشمنان که در اسلام بر آن تأکید شده است، شیوه لعن و نفرین بر دشمنان است. لعن، به معنای طرد نمودن و دور ساختن از روی خشم است که در آخرت کسانی که مشمول این واژه هستند به عقوبت می رسند و در دنیا از رحمت و توفیق الهی بریده و محرومند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ۴: ۱۳۷). این واژه ۴۱ بار در قرآن کریم آمده است و گروه هایی از دشمنان را با عبارت لعنت، طرد نموده است (نساء: ۴۶ و مائده: ۷۸). این دسته از آیات خود نوعی جنگ روانی علیه دشمنان اسلام به شمار می آید که جنگ روانی آنان را خنثی می سازد.

از سوی دیگر مفهوم «سلام» و «صلوات» که می توان گفت نقطه مقابل لعن است، در قرآن، روایات و زیارات به عنوان یکی از شیوه هایی است که به منظور تقویت جبهه حق از آن استفاده می شود. آیاتی مانند: آیات، ۷۹، ۱۲۰، ۱۰۹، ۱۳۰ و ۱۸۱ از سوره الصافات و سلام هایی که در زیارت ها مانند زیارت عاشورا همراه با لعن آمده و توصیه شده است که صد مرتبه تکرار شود، نقش روانی در انسجام جبهه حق و تخریب جبهه باطل ایفا می کند.

۱۲- شناسایی دو جبهه درگیر در جنگ روانی

غالب مشاجرات و تخاصمات میان دو جبهه حق و باطل در قالب جنگ روانی درجریان است. گروه های دفاعی در فرهنگ قرآن که با اراده و فرمان الهی علیه جبهه باطل به روشنگری و بصیرت افزایی اقدام می کنند، عبارت اند از: گروه «رسولان» (نحل: ۳۶) یا فرستادگان که با عناوین «المرسالون» (یس: ۱۴)، «انبیاء یا نبیین»، «نذریا منذرین و مبشرین»، «الناصحین» (قصص: ۲۰) خیرخواهان یا نصیحت کنندگان، در قرآن از آن ها یاد می شود. همچنین «آمرین و ناهین» (آل عمران: ۱۰۹) دعوت کنندگان به خوبی ها و باز دارندگان از بدی ها، «مرسلات» فرشتگان، که با صفت «مسموین» (آل عمران: ۱۲۴- ۱۲۵) نشان دار و «مردفین» (انفال: ۹) پیاپی، از آن ها یاد شده است، «الذین آمنوا» همه ایمان آورندگان و گاه موجودات نظام هستی و عوامل طبیعی که در هنگام معجزات انبیا و امدادهای غیبی در حمایت از طرفداران حق در طول تاریخ موجب پیروزی جبهه حق شده اند و در ماورای همه این ها خداوند همواره مدافع مؤمنان است.

در مقابل گروه های جنگ روانی دشمنان حق که فتنه انگیزی و به نابودی حرث و نسل اقدام می کنند، عبارتند از: گروه های شیطانی و طاغوتی همچون:



«الْمُرْجُفُونَ»^۱ (احزاب: ۶۰) شایعه سازان و شایعه پراکنان، بهتان زندگان «الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِغِيلٍ مَا اكْتَسَبُوا» (احزاب: ۵۸) آنان که مردان و زنان باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده‌اند آزار می‌دهند، یهودیان تحریف گر، «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (نساء: ۴۶) و منافقان تزویرگر، کافران، مشرکان، گروه های ملأ و مترف، سرمایه داران و مستکبران و به طور مختصر: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّغُوتِ» (نساء: ۷۶).

با مقایسه دقیق این دو جبهه و همچنین با استناد به آیه شریفه: «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء: ۷۶) به راحتی می توان به این نتیجه رسید که در صورت ایمان و اعتقاد قوی مدافعان جبهه حق، امکانات دفاعی این جبهه بسیار قوی تر از جبهه باطل و پیروزی آن ها قطعی خواهد بود که بر اساس اعتقاد مؤمنان در آینده نیز چنین خواهد شد. «العاقبة للمتقين» (اعراف: ۱۲۸). دراین میان اگر پیروزی های ظاهری و مقطعی جبهه باطل را مشاهده می کنیم، به خاطر عدم توجه و عدم استفاده اکثریت از این امکانات جبهه حق است.

بحث و نتیجه گیری

جنگ روانی، مؤثرترین نوع جنگ و اعتقادات دینی، مهم ترین عامل بازدارنده آن است. قرآن کریم به عنوان جامع ترین متن دینی، به صورت گسترده شیوه های دشمن در جنگ روانی را آشکار نموده و راه های مقابله با آن را به صورت عملیاتی و راهبردی تبیین فرموده است.

جنگ نرم از این رو که به منظور تغییر باورها، ارزش ها و نظام فکری فرد و جامعه، توسط دشمن، از طریق برنامه های فرهنگی و تأثیر گذاری آرام و پنهان، بر روح و روان

۱ - مرجفون "از ماده" ارجاف " به معنی اشاعه اباطیل به منظور غمگین ساختن دیگران است، و اصل "ارجاف" به معنی اضطراب و تزلزل است، و از آنجا که شایعات باطل ایجاد اضطراب عمومی می کند این واژه به آن اطلاق شده است.

انسان ها صورت می گیرد، نیز از جمله جنگ روانی به شمار می آید. به این نوع جنگها جنگ فرهنگی، سرد، رنگی، مخملی، آرام، ناتوی فرهنگی، استعمار فرانو، استحاله تدریجی، سلطه بر مغزها، دیپلماسی عمومی، جنگ رسانه ای و مطبوعاتی و غیره نیز اطلاق می شود. ما در این نوشتار معتقدیم، در فرهنگ قرآن می توان به همه این ها چون از ناحیه دشمن و جبهه باطل علیه ملت ها به ویژه امت اسلامی صورت می پذیرد، فتنه یا خطوات الشیطان نام نهاد و بر اساس راهکارهای دینی به کمک تقویت اعتقادات و باورهای عمیق مذهبی، همه را به خوبی خنثی نمود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه ای خطاب به اساتید دانشگاه فرمودند: «شما فرماندهی هستید که باید مسائل کلان را ببینید، دشمن را درست شناسایی بکنید، هدف های دشمن، را کشف بکنید، احیاناً به قرارگاه های دشمن، آن چنانی که خود او نداند سر بکشید و بر اساس او طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان حرکت کنید» (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹، : ۲۲۹) و در قسمت دیگری دانشجویان را افسران جوان برای مقابله با این نوع جنگ ها تلقی نمودند بنابر این، به منظور پاسخ به این ندا، لازم است برای روشن شدن ابعاد مختلف جنگ روانی، اصول و مبانی، اهداف و راه کارها، تحقیق جامعی از سوی قرآن پژوهان صورت گیرد و توسط متخصصان رشته جنگ روانی کاربردی شود؛ تا همگان بتوانند نقش خود را به خوبی ایفا نمایند. از نظر نگارنده، تنها راهکار موفق برای خنثی سازی جنگ روانی دشمنان اسلام، به کارگیری تاکتیک های همه جانبه قرآن کریم به طور دقیق و زیر نظر کارشناسان امور دینی و آشنا به مباحث روان شناسی است.

«ومن الله التوفیق».



فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- احمدی و همکاران (۱۳۸۹): از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم، تهران، انتشارات کیهان.
- راغب اصفهانی (۱۳۶۲): معجم مفردات الفاظ القرآن، قم، المكتبة المرتضوية
- شریفی، احمد حسین (۱۳۸۹): جنگ نرم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- شیرازی، محمد (۱۳۷۸): جنگ روانی و تبلیغات، مفاهیم و کارکردها، معاونت تبلیغات و انتشارات حوزه نمایندگی ولی فقیه در دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴): تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرّسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل ابن حسن (۱۳۷۷): تفسیر جوامع الجامع، تحقیق با مقدمه آیه الله واعظ زاده خراسانی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲): مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو
- محدث عاملی (۱۴۰۹ ق): تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه؛ قم: آل البيت مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ ق): تفسیر الکاشف، دار الکتب الإسلامیة
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴): تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ